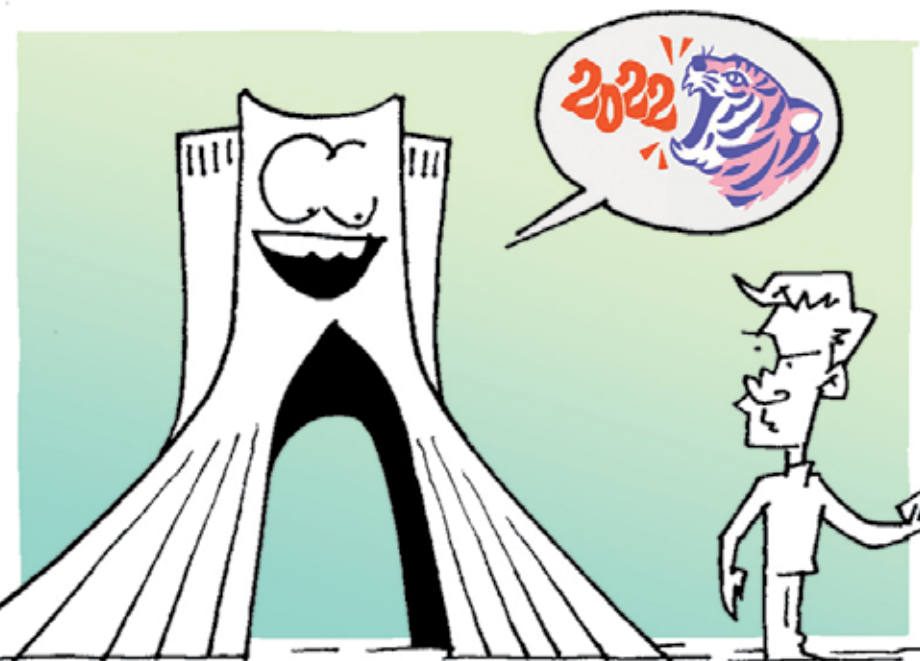




سیدمحمدجواد
طاهری



ایالت بروس لی



مستن باوری

رانتند: دیدید مملکت رو دادن رفت... فروختنمون به دشمن چند ساله. مسافر ۱: آره، منم شنیدم با به قرارداد کل ایالت‌ها رو به باد دادن. رانتند: بچه‌های خط منهن هم می‌گن احتمالاً از سال بعد باید چینی حرف بزنینم وگرنه اژدها میفرستن خونه هامون.... مسافر ۲: آره منم شنیدم استفاده از ظروف آکوپال، بلور و ملامین ممنوع شده؛ فقط باید چینی دورطایی استفاده کنیم. رانتند: برج‌های دو قلو هم اسمشون عوض شده گذاشتن این چون آن و آن چون این.

مسافر ۲: برج‌های دو قلو دیگه نداریم که! مسافر ۱: دیگه بدتر! یکی دیگه میسازن که از اول اسمش همین باشه. مسافر ۲: از کجا معلوم؟

رانتند: داداش مثل اینکه خیلی بی‌خبری! مگه ندیدی دیشب نماد چین رو انداختن روی برج نیویورک...؟ کشتگ معلوم بود می‌خوان ما رو آماده کنند برای پذیرفتن چین به‌عنوان پدر.

مسافر ۱: تازه من شنیدم جزایر هاوایی رو هم دادن به برادران تاجپانانا... از صبح تا شب دارن اونجا برگردون می‌زنن. رانتند: اینکه خوبه؛ تو هالیوود هم قراره بعد از این اوشین و لینچان تولید بشه فقط.

مسافر ۲: مگه اون چینی بودن؟ مسافر ۱: فرق نمیکنه. مهمه اینه که چشمشون شبیه همه. مگه نمی‌دونی بعد از این، نشون دادن چشم‌های غیربومی تو تلویزیون امریکا ممنوع شده. فقط چشم بادومی‌هایی که موهای لخت و مشکلی دارن میتونن فیلم بازی کنن.

رانتند: احتمالاً این دیوار مرکزی رو هم می‌خوان خراب کنن به جاش دیوار چین بسازن نامردا.

مسافر ۲: دیوار چین که شاهکاره، خوب میشه که. مسافر ۱: کجاش شاهکاره؟ وسطا کج شده، به جاهایش هم تاپ داره. همین دیوار رو اوس پیتر بنا برات صاف در میاره، نصف قیمت.

رانتند: حالا اینا که خوبه... از فردا هر روز برنامه عذرخواهی داریم... من باید همش از شما بابت نبود کولر و کثیف بودن ماشین و صدای گوش‌خراش ضبط عذرخواهی کنم.

مسافر ۱: لابد ما هم باید بابت نداشتن پول خرد و محکم بستن در از شما عذرخواهی کنیم. اونوقت مسئولان هم باید بابت کشتن سیاه پوستان همش عذرخواهی کنن بیچاره‌ها.

مسافر ۲: آقا این فرهنگ عذرخواهی برای ژاپن نبود؟ مسافر ۱: داداش گفتم فرقی نداره دیگه! گیر دادا!

رانتند: از همه عذاب‌آورتر اینه که باید با چوب غذا بخوریم... می‌گن چوب قراره نایاب بشه. منم رفتم چندتا درخت خریدم انداختم گوشه حیاط، به وقت چوب کم نیاریم.

مسافر ۱: حالا من شنیدم باید به جای سگ و گریه، اژدها تو خونه نگه داریم. همه سگ و گریه‌ها رو هم بدیم بخوره تا گرسنه نمونه.

رانتند: ببین، برو کارتون چگونه اژدهای خود را تربیت کنیم رو دانلود کن؛ اونجا یاد میده چیکار باید بکنی.

مسافر ۱: آخه خانوم من از اژدها چندش میشه. رانتند: گفتم چندش، اینو یادم رفت بگم. دیگه سوسک هاتون رو نکشید! قراره بعد از این همونا رو بخوریم. عقرب و عنکبوت هم دیدید فریز کنید. می‌گن قیمتشون بالا رفته بعد به مدت همون هم نمیتونیم گیر بیاریم.

مسافر ۱: شنیدی میگن اسم ایالت‌ها رو هم قراره عوض کنن؟ مثلاً نیویورک قراره بشه جکی‌جان... آریزونا رو هم زن به نام جت لی. لس آنجلس هم گذاشتن بروس لی... می‌گن بعد از این قراره قبل از هر برنامه تو این ایالت، به یاد مرحوم بروس لی یک دقیقه همه بگن غووووو!!!!

مسافر ۲: آقا ولی اینجا تو خبرها نوشته که همه کشورها به مناسبت شروع سال نو میلادی نماد چین رو نشون دادن؛ یعنی ربطی به فروش چین نداره.

رانتند: نگفتم تا آخر سال نشده همه کشورها رو می‌فروشن به چین؟ تحویل بگیرید!

دیوانه حافظ

افشار جابری و حافظ شیرازی

«فلک به مردم نادان و بد زمان مرو»

زمان مردم نادان هم است دست مرو

محدثه مطهری

تورهای خارجی ارزان‌تر از تورهای داخلی!

ولی تور خارجی زودتر سوراخ می‌ش. ما زدیم جلوی پنجره که بشه نیاد، به هفته بعد زدیم سوراخ شده اندازه کف دست!

راز ارز دورخی در اقصا

ولی چون رازه، نمی‌تونیم بهتون بگیم. حیف شد.

رای منفی به تشکیل وزارت محیط زیست

به چه دردی می‌خوره این وزارتخونه؟ بابا کلا چارتا درخت و دوتا دریا و سه تا رودخونه داریم. همین! آهان، با دوسه تا تالاب. همین. یکی دوتا هم باتلاق. دیگه همین! آهان به چندتا هم کوه و کویر و...

جای خالی سقلمه در بروس

می‌خواین من بپام؟ کف حقوق با بیمه. روزی پنج بار سقلمه می‌زنم، جوری که جاش کیود شده.

تبرص همه فمندی پارانامه متحول شد

می‌گن سه قسمت کلید اسرار دیده.

صندوق‌های پیشرفت و عدالت آب رفت!

با یخ ساخته بودینش؟

مصطفوی کی‌روش ۱۶ میلیون دلار پول گرفت و یک بیت

حلبی نیوردا

بخاطر بیت حلبی اینقدر ازتون پول گرفت؟! جمعه بازار همون بیت رو خریدم ۱۶ هزار تومن! تازه آقام می‌گه کردن تو پاجت.

رضاشاه، تور وحت!



بهزاد توفیق‌فر

امام خمینی از مردم خواست، گاردی‌های متجاوز به همافران را از دست مردم نجات دهند. ایشان هشدار داد: مردم با حضور در خیابان‌ها، از توطئه حکومت نظامی برای کودتا، جلوگیری کنند. یکی از اعضای شورای انقلاب با اشاره به بختیار ادامه داد: هوایی! جمعی از اراذل و اوباش و مجاهدین خلق [متناقضین]، به پادگان‌ها، کلاترئی‌ها و کارخانه اسلحه‌سازی مراجعه کردند و به هرچه توانستند اسلحه و مهمات را از دست مردم نجات دادند و به خانه‌های تیمی خود بردند. عده‌ای در ورزشگاه امجدیه جمع شدند و بختیار را ستودند. تیپ زرعی قزوین با [هن و نلب، رفت روی گوشت مولوتوف و در خیابان سپه [خیابان قزوین فعلی] خودروهای خود را ترک کردند.

دادستان کل کشور، دستور بازداشت نخست‌وزیر سابق (هویدا) و چند وزیر وی را صادر کرد. هویدا که پس از ۴۵۷۲ روز نخست‌وزیری، قبل از فرار شاه، به پادگان جمشیدیه رفته بود تا به کارهای بدش فکر کند، روی دیوار اتاقش نوشت: تفت تو این شانس. وی بعدتر، وقتی شاه و فرح با چمدان‌های شان از ایران گریختند و پادشان رفت آزادش کنند، دوباره روی دیوار اتاقش نوشت: تفت تو این شانس. هویدا بلافاصله نوشته خود را خط زد و زیرش نوشت: رضاشاه، تور وحت! از قم خبر می‌رسد که سرهنگ، رئیس شهرستانی قم، که حدود یک ماه پیش به علت بیماری از کار کناره گرفته بود، پس از بهبودی نیز کناره را ول نکرد و به اصرار اطرافیان وقتی ننهاد.

مهنا صادقی



اون که اونجا ماسک زده از ما نیست. هنرمند باید همیشه خلاف جریان شنا کنه!

سینما را به خاطر بسپار



مهدی زاره رضایی

برای شما عشق سینمای عزیز، قطعاً این روزها، روزهای ویژه‌ای است. بله چهلمین دوره جشنواره فیلم فجر شروع شده و حالا ما، اینجاییم تا با هم مرور کنیم چگونه باید سینما برویم:

اگر با یک یا چند همراه رفته‌اید سینما، حتماً فیلم را در لحظه برایشان تحلیل کنید. شاید همراهانتان خنگ باشند و فیلم را آنگونه که شما می‌فهمید، درک نکنند. حتی می‌توانید بلندتر صحبت کنید تا سایر تماشاچیان هم از دیدگاه شما بهره ببرند. مثلاً اگر یک صحنه کم‌دی بود ولی همراهتان نخندید، حتماً دلیل خنده‌دار بودن آن صحنه را برایشان توضیح دهید و تا از ته دل نخندیده، دست از سرش برندارید. یا اگر دیدید همراهتان از دیدن یک صحنه گریه‌اش گرفته، سعی کنید به او بفهمانید که اینها همه‌اش فیلم است و ارزش گریه کردن ندارد. اگر همچنان گریه کرد سر به سرش بگذارد و آن قدر شوخی کنید تا گریه‌اش قطع شود. اگر فیلم را قبلاً دیده باشید، می‌توانید جلوتر از فیلم، داستان را برای تماشاچیان تعریف کنید تا مخاطب آمادگی درک داستان را داشته باشد. بالاخره حیف است بقیه این قدر پول بلیت سینما بدهند ولی به اندازه شما از فیلم لذت نبرند.

معرفی کتاب طنز خرافات بیخ کلویمان را گرفته!



وقتی بخواهیم از باورهای اشتباه عامیانه با همان خرافات صحبت کنیم، بهترین انتخاب استفاده از طنز است. با بیان طنز می‌شود باورهای عامیانه را طوری نشان داد که معلوم بشود بر پایه «هیج» بنا شده‌اند؛ تنها کمی اغراق لازم است و تسلط بر عقاید خرافی مرسوم میان مردم. این دقیقاً کاری است که امید مهدی‌نژاد در کتاب «شافلوس» انجام داده. او در این کتاب، در قالب تعبیر اتفاقات، ۱۲۰ خرافه مختلف را کرده‌ام آورده؛ مثلاً در بخشی از کتاب آمده: «کف یا که بخارد، راه دور خواهد رفت. هرچه بخاراند، راه کوتاه‌تر می‌شود، تا آنجا که در نهایت سفر کسلس شود.»

در مقدمه این کتاب آمده: «کتابی که در دست دارید گزیده‌ای است از کتاب ارزشمند «ناسخ الاباطیل» نوشته شیخ احمد قرقاول امیرآبادی (جنب پمپ بنزین) که پس از پلاپیش و ویرایش و حذف مزخرفات به شکل فعلی درآمده...» همین مقدمه طنز در ابتدای کتاب، مخاطب را آماده می‌کند تا در فضای غیرجدی، خرافاتی را بشنود که شاید در زندگی به مشابه آنها برخورد کرده باشد. اما این قدرت بیان طنز است که مبنای توخالی خرافات را پیش چشم مخاطب نمایان می‌کند.

کتاب «شافلوس»، پژوهشی در عقاید المردمان» نوشته امید مهدی‌نژاد است که نشر کتاب قاف آن را چاپ کرده و

با قیمت ۱۳ هزار تومان قابل تهیه است. در ادامه، بخشی از این کتاب را می‌خوانیم:
«شب عبید رسته پلو بخورند، رشته کار دستشان می‌آید. عدس پلو بخورند، عدس کار دستشان می‌آید. هویج پلو بخورند، جنی می‌شوند. ماهی پلو بخورند، خوش به حالشان می‌شود. بخورند.»

«شب جمعه میهمانی نباید رفت، که نامبارک است. شب شنبه نجوست شدید دارد. شب یکشنبه و شب دوشنبه بدیمن است. شب سه‌شنبه آفت است و شب چهارشنبه و پنجشنبه شگون ندارد.»



Cemalettin Güzeloglu

